



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴ بهمن ۱۳۹۰  
مصادف با: ۲۰ ربیع الاول ۱۴۳۳  
جلسه: ۲۰

موضوع کلی: اعجاز قرآن  
موضوع جزئی: معنای اعجاز  
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در معنای اعجاز قرآن بود، عرض کردیم اعجاز عبارت است از ناتوان ساختن دیگران نه به این معنی که ابزار قدرت و توانایی دیگران از آنها سلب شود بلکه به این معنی که قرآن در حدی از فصاحت، بلاغت و... است که دیگران نمی‌توانند مثل آن را بیاورند؛ یعنی به قدری مرتبه قرآن والا است که دور از دسترس دیگران است. عرض شد در قرآن لفظ اعجاز ذکر نشده و مسئله تحدی؛ یعنی مبارزه طلبی مطرح شده که تحدی یا به کل قرآن است چنانچه در بعضی آیات اشاره شده یا به ۱۰ سوره از قرآن و یا به یک سوره از قرآن است چنانچه در آیات دیگری از قرآن به آنها اشاره شده است که ما آیات متناسب با انواع تحدی را در جلسه گذشته ذکر کردیم.

### بررسی دو آیه از آیات تحدی:

دو مورد از آیات وجود دارد که در این دو مورد جای بحث و سؤال است که منظور از تحدی در این آیات چیست؟  
**آیه اول:** آیه شریفه «أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَأُؤْمِنُونَ، فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ»<sup>۱</sup> که خداوند متعال امر می‌کند به اتیان حدیثی مثل قرآن و می‌گوید اگر راست می‌گویید سخنی مثل قرآن بیاورید، در آیات قبلی تعبیر به اتیان به خود قرآن، اتیان به ۱۰ سوره و اتیان به یک سوره شده بود ولی اینجا تعبیر به حدیث شده، حال سؤال این است که آیا منظور از «حدیث مثله» کل قرآن است؛ یعنی می‌خواهد بگوید اگر راست می‌گویید کتاب کاملی مثل قرآن بیاورید یا منظور از «حدیث مثله» این نیست که کتاب کامل و جامعی مثل قرآن بیاورید بلکه اطلاق دارد و هم کل قرآن را در بر می‌گیرد و ۱۰ سوره، یک سوره و حتی کم‌تر از یک سوره را هم شامل می‌شود.

در این آیه دو احتمال وجود دارد:

**احتمال اول:** احتمال اول این است که منظور از «حدیث مثله» کتاب کامل و جامعی مثل قرآن است.

**احتمال دوم:** احتمال دوم این است که «حدیث مثله» اطلاق دارد و شامل کل قرآن، ۱۰ سوره، یک سوره و حتی یک جمله از قرآن هم می‌شود.

۱. طور/۳۳ و ۳۴.

از بین این دو احتمال آنکه با ظاهر آیه سازگار است احتمال اول است؛ یعنی در واقع این آیه به کل قرآن تحدی می‌کند؛ چون «مثل» وصف «حدیث» است؛ یعنی حدیثی که این وصف را دارد که مثل قرآن است و این وصف وقتی که برای حدیث بکار می‌رود در کل قرآن ظهور دارد؛ یعنی اگر راست می‌گویید سخنی بیاورید که از هر جهت مثل قرآن باشد لذا آنچه که از این آیه استظهار می‌شود تحدی به کل قرآن است.

اما احتمال دوم صحیح نیست و نمی‌شود به اطلاق آیه تمسک کرد؛ چون اطلاق، خلاف ظاهر است زیرا ما برای اینکه بخواهیم استفاده اطلاق بکنیم باید بگوییم به حسب ظاهر، آیه مطلق است و قید و قرینه‌ای در آن بر خلاف ظاهر وجود ندارد در حالی که در این آیه قرینه بر خلاف ظاهر وجود دارد و آن توصیف «حدیث» به «مثله» است که این وصف مانع تحقق اطلاق می‌شود.

ممکن است گفته شود که توصیف به مثله مانع اطلاق نمی‌شود؛ چون مثل قرآن شامل کل، بعض و حتی یک جمله از قرآن هم می‌شود که در پاسخ می‌گوییم شاهدی در اینجا وجود دارد که کمک می‌کند به اینکه این آیه حداقل نسبت به بعضی صور تحدی اطلاق نداشته باشد و آن این است که آوردن یک جمله مثل جملات قرآن دور از توان بشر نیست و ظاهراً آنچه که انسان از آوردن آن عاجز است عجز نسبت به کل و بعض قرآن در حد یک سوره است و گرنه آوردن یک جمله مثل قرآن از توان بشر خارج نیست لذا خود اینکه بشر توانایی آوردن جمله‌ای مثل جملات قرآن را دارد مانع از این می‌شود که این آیه اطلاق داشته باشد که حتی شامل آوردن یک جمله مثل جملات قرآن هم بشود، بنابراین این آیه هم از آیاتی است که به کل قرآن تحدی می‌کند.

**آیه دوم:** آیه شریفه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup>، خداوند متعال می‌فرماید: اگر در آنچه که ما بر بنده خود نازل کرده‌ایم تردید دارید سوره‌ای مثل آن بیاورید و غیر از خداوند از هر کسی هم که می‌خواهید کمک بگیرید. آنچه از این آیه فهمیده می‌شود تحدی و مبارزه طلبی به آوردن مثل قرآن است؛ یعنی شما نمی‌توانید این کار را بکنید.

در مورد «فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ» دو احتمال وجود دارد:

**احتمال اول:** احتمال اول این است که ضمیر «مثله» به ماء موصوله در «مما نزلنا علی عبدنا» برگردد، طبق این احتمال آیه به یک سوره از قرآن تحدی می‌کند؛ یعنی اگر می‌توانید یک سوره مثل آنچه ما بر بنده خود نازل کردیم بیاورید.

**احتمال دوم:** احتمال دوم این است که ضمیر «مثله» به عبد برگردد که در این صورت آیه در مقام تحدی به خود پیامبر(ص) است و تحدی به خود پیامبر(ص) به این معنی است که پیامبری که امی بوده و سابقه خواندن و نوشتن نداشته این مطالب را

۱. بقره/۲۳ و ۲۴.

بیان می‌کند و شما هم اگر می‌توانید یک شخص امّی را پیدا کنید که بتواند این گونه مطالب را بگوید، طبق این احتمال معجزه خود قرآن نیست بلکه معجزه این است که یک شخص امّی این کتاب را آورده است.

به نظر ما آنچه که مطابق با ظاهر آیه است احتمال اول است برای اینکه متعلق ریب، ما نزلنا است؛ یعنی آنچه که مورد تردید واقع شده ما نزلنا است و کاری به شخص پیامبر(ص) ندارد و متعلق ریب این نیست که یک شخص امّی این آیات را می‌گوید بلکه متعلق ریب، خود قرآن است، قرینه بر این مطلب هم سایر آیات تحدی است؛ یعنی لسان آیات دیگری که در آنها تحدی به کل قرآن یا ۱۰ سوره یا یک سوره شده شبیه این آیه است و این نشان دهنده این است که منظور از تحدی، تحدی در مورد خود قرآن است نه در مورد شخص پیامبر(ص)، پس این آیه هم مثل آیه تحدی است که در سوره یونس آمده است و ما آن را در جلسه گذشته نقل کردیم که منظور از آن تحدی به یک سوره بود.

### **کلام فخر رازی:**

فخر رازی می‌گوید: منظور از اعجاز قرآن و ناتوانی دیگران از آوردن مثل قرآن این است که خداوند متعال مردم را از آوردن مثل قرآن منصرف کرده؛ یعنی تکویناً اجازه آوردن مثل قرآن به آنها داده نشده به این معنی که انسان‌ها قدرت آوردن مثل قرآن را دارند ولی خداوند آنها را از آوردن مثل قرآن منصرف کرده و به آنها این اجازه را نداده است، در ادامه فخر رازی تأکید می‌کند که این توانایی به ویژه در مورد سوره‌های کوچک وجود دارد و انسان بر آوردن مثل سوره‌های کوچک قادر است و اینکه گفته شود حتی انسان از آوردن مثل سوره‌های کوچک قرآن هم عاجز است مبالغه‌ای بیش نیست.

### **بررسی کلام فخر رازی:**

این سخن با ظاهر آیات تحدی ناسازگار است؛ چون در آیات تحدی که ذکر آنها گذشت عجز و ناتوانی بشر از آوردن مثل آیات قرآن است؛ یعنی مرتبه و درجه قرآن آن قدر والا است که دور از دسترس بشر است و مؤید این مطلب هم ارتکاز متشرعه است؛ یعنی آنچه که مرتکز بین متشرعه و مسلمین است این است که قرآن به گونه‌ای است که دور از دسترس بشر است و انسان توانایی آوردن مثل قرآن حتی یک سوره کوچک را هم ندارد.

پس اصل اعجاز قرآن امر مسلمی است و خود قرآن هم بر این امر تأکید کرده گرچه لفظ اعجاز در آیات قرآن نیامده و آنچه که ذکر شده تحدی و مبارزه طلبی است که لازمه آن اعجاز قرآن است.

«والحمد لله رب العالمین»